شماره ۱۱۲۶ / یکشنبه ۳ دلو / ۲۳ ربیع الثانی / ۲۲ جنوری / ۴ صفحه / ۱۰ افغانی

صدیق صدیقی:

## فعالیت داعش برای امنیت افغانستان بسیار خطرناک می باشد / هیچ پولیس خیالی در وزارت داخله وجود ندارد

سخنگوی وزارت داخله می‌گوید که نیروهای امنیتی افغانستان در مقابل تروریسم بین المللی مبارزه می کنند، لذا امریکا و متحدین آن باید برای تجهیز و اکمالات نیروهای امنیتی افغانستان کارهای بنیادی را انجام دهند.

به گزارش خبرگزاری آوا، صدیق صدیقی؛ سخنگوی وزارت داخله روز (شنبه) در یک نشست خبری به رسانه ها گفت که نیروهای امنیتی کشور برای سرکوب گروه های دهشت افگن چندین عملیات را در نقاط مختلف کشور اندازی کرده اند. وی علاوه کرد که اکنون عملیات های پاکسازی زمستانی در ولایت های کندز، هلمند، ارزگان، غزنی، ننگرهار و فراه ادامه دارد و نیرو های امنیتی در این عملیات ها دست آوردهای بزرگی را نیز داشته اند ...

ادامه در صفحه ٤

## ما متعهد به تطبیق مفاد موافقت‌نامه سیاسی هستیم!

۴

## پدر معنوی طالبان و اشرف غنی درباره پروسه صلح رایزنی کردند

۲

## نشست سه جانبه روسیه، پاکستان و چین وضعیت افغانستان را پیچیده ساخته است

۲

رئیس حزب اسلامی تبیان:

# امنیت ملی در کشور زمانی تامین می شود که چهار ستون آن یعنی فرهنگ، سیاست، اقتصاد و نظام، از قوام و قدرت کافی برخوردار باشد

در صفحه ۳

۲

سرمقاله

## ترامپ، گردبادی که نباید مهار شود!

عنوان بالا شاید مقداری عجیب به نظر برسد و این پرسش را در ذهن زنده کند که چگونه می شود تصمیم گیرندگان کاخ سفید که داعیه رهبری جهان را به سر می پرورانند، خودآگاه دست به چنین بازی ای بزنند و سناریویی بنویسند برای ایجاد بحرانها و بی نظمی های جدید برای کل جهان و نقش نخست این فیلم هالیودی ویرانگر و خطرناک برای انسان و جهان را بدهند به کسی چون دونالد ترامپ؟!.

این برداشت چنانکه می نماید ممکن است بواقع نیز عجیب و حتی دور از شان و ساحت باور باشد و بیشتری از آدمها به خصوص آنهایی که ارادتی به غرب و سران آن دارند و دولتهای غربی را مظهر و نماینده تام الاختیار تمدن و مدنیت و پاسدار مقام و شان انسانی می دانند، ممکن نیست زیر بار باور این گونه برداشتهای ریشه دار و واقعی بروند؛ اما در هر حال، یک چنین واقعیت های ولو تلخ برای خیلی ها در زمانه ما وجود دارند که باید با آن کنار بیاییم.

ترامپ هنوز وارد کاخ قدرت نشده و رشته امور در ایالات متحده امریکا را در دست نگرفته، گرد و خاکهای سهمگینی را البته در حیطه ادعا و سخن برپا کرده و هنوز زمام امور سیاست خارجی امریکا را قبضه نکرده، به شرق و غرب و شمال و جنوب تاخته و فرمان می دهد!.

ترامپ اتحادیه اروپا را به نقد می کشد و هنوز عرق پایش از اثر دوندگی های رقابتیِ انتخاباتی خشک نشده، به مهابا بر سیاستَ های این اتحادیه می تازد؛ که صد البته از سوی سران این اتحادیه بی پاسخ نمی ماند و در رویکرد شتابزده دیگر سران رژیم صهیونیستی را مورد تفقد و دلجویی قرار می دهد که رشته صبر را از کف ندهند تا او بیاید...

ادامه در صفحه ۲

## انتخابات آینده؛ تکرار یک تجربه ناکام؟

تحلیل

کمیسیون انتخابات اعلام کرد که انتخابات آینده پارلمانی و شوراهای ولسوالی با کارت‌های رأی‌دهی کنونی و بدون شناسنامه‌های الکترونیک برگزار می‌شود.

نجیب‌الله احمدزی؛ رییس کمیسیون انتخابات هفته گذشته در یک نشست خبری گفت که توزیع شناسنامه‌های الکترونیک و شمار دقیق نفوس کشور، هزینه و زمان زیادی نیاز دارد و در حال حاضر از امکانات و توانایی‌های موجود، استفاده می‌شود.

وی افزود:»در انتخابات پیش روی پارلمانی و شوراهای ولسوالی کارت رأی‌دهنده به یک مرکز مشخص رأی‌دهی مرتبط می‌شود، قسمی که پس از رأی دادن کارت رأی‌دهنده با رمز یا علامت مشخص یا هر نوع وسیله ممکن، نشانه‌گذاری می‌شود.«

احمدزی گفت که هفت هزار مرکز رأی‌دهی در کشور وجود دارد که این مراکز به بررسی دوباره نیاز دارند.

انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی در حالی بدون شناسنامه‌های الکترونیک برگزار می‌شود که روند توزیع این شناسنامه‌ها به دلایل مختلف، همچنان متوقف است.

این موضع کمیسیون انتخابات در شرایطی اعلام می شود که پیش از این، بارها کارشناسان امر، هشدار داده اند که سلامت و شفافیت انتخابات آینده پارلمانی، در گرو توزیع تذکره های الکترونیک به عنوان اهرم تضمین کننده مصونیت و امنیت انتخابات در برابر هرگونه دستبرد، خیانت و تلاش برای ربودن آرای عمومی شرکت کنندگان می باشد.

به باور این گروه از تحلیلگران، اگر تذکره های الکترونیکی توزیع نشود، برگزاری انتخابات پارلمانی چیزی جز تکرار یک تجربه تلخ و شکست خورده نخواهد بود؛ تجربه ای که در انتخابات سال ۹۳ به بدنامی تاریخی دموکراسی ناقص الخلقه افغانستان انجامید و مردم و رأی دهندگان را نسبت به هرگونه روند مرتبط با دموکراسی در آینده، ناامید، بی باور و سرخورده کرد.

به دنبال برگزاری انتخابات بدنام و شرم آور ریاست جمهوری در سال ۹۳ خورشیدی و رویدادهای ناامیدکننده پس از آن که در نهایت به تولد حکومت وحدت ملی منتهی شد، مردم به نحو غیر قابل مهاری، اعتماد و باور خود را به اصل انتخابات و مردم سالاری در افغانستان از دست دادند.

با این حال، به عقیده ناظران، در پی امضای توافق سیاسی میان رهبران حکومت وحدت ملی که یکی از اصلی ترین مفاد آن، ایجاد اصلاحات گسترده در قوانین، نظام و ترکیب و ترتیب کمیسیون های انتخاباتی و نیز ایجاد مکانیزم های قوی و قابل اعتماد به منظور تأمین سلامت و شفافیت انتخابات و تضمین مصونیت آرای مردم به عنوان یک امانت بزرگ ملی بود، امیدها به احیای دوباره دموکراسی نیمه جان افغانستان، بار دیگر تقویت شد؛ اما سایه اختلافات عمیق رهبران حکومت وحدت ملی و توقف عملی روند ایجاد اصلاحات انتخاباتی از یکسو و تأخیر طولانی و غیر قانونی در برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی از جانب دیگر، بار دیگر امیدهای شکل گرفته در این زمینه را نابود کرد و اینک با انتشار خبر تلخ و یأس آور برگزاری انتخابات آینده پارلمانی بدون توزیع تذکره های الکترونیکی، پیش بینی می شود که مردم دیگر هیچ تمایلی برای مشارکت فعال و حد اکثری در انتخابات آینده پارلمانی، نشان ندهند؛ زیرا چیزی که بتواند آنها را به مشارکت در انتخابات ترغیب کند، عملا وجود ندارد و آن عبارت از اعتماد و باور عمیق و واقعی مردم به سلامت و مصونیت آرای خود و اطمینان از امانت داری و صداقت مورد انتظار در نهادهای دولتی و کمیسیون های انتخاباتی است.

اینهمه در حالی است که رهبران حکومت وحدت ملی، بدون ارائه هیچ گونه دلیلی، مانع از توزیع تذکره های الکترونیکی شده اند و به عقیده منتقدان، این روند مهم و مورد ضرورت ملی را در عمل به گروگان گرفته اند؛ در حالی که مقام های سابق وزارت امور داخله در زمان قدرت خود بارها اعلام کردند که همه چیز برای آغاز رسمی و سراسری توزیع تذکره های الکترونیکی، آماده است و این مهم فقط وابسته به صدور دستور از جانب ریاست جمهوری می باشد.

ریاست جمهوری اما بدون آنکه دلیلی ارائه کند، از صدور این دستور امتناع کرده است. صاحب نظران می گویند به احتمال قوی، رییس جمهور از جانب شماری از حلقات قوم گرا تحت فشار قرار دارد؛ حلقاتی که نگران شکسته شدن قالب های سنگ شده انحصارطلبی و سلطه گری تاریخی خویش در حوزه قومیت و زبان هستند و از این امر هراس دارند که با توزیع تذکره های الکترونیک، بنیادهای اصلی این قیمومیت پوشالی شان از هم فروبپاشد.

با این وصف، به باور آگاهان، رییس جمهور علیرغم فشارهایی که ممکن است وجود داشته باشد، برای آغاز توزیع تذکره های الکترونیکی هم از قدرت لازم برخوردار است و هم از صلاحیت قانونی کافی؛ اما اینکه چرا از این اقدام، امتناع می کند، مشخص نیست.

یادداشت

## پاکستان و نگاهِ از بالا به پائین به افغانستان!

می شود گفت از حدود چهار دهه به این سمت و سوی، افغانستان به عنوان حیاط خلوت پاکستان و به تعبیر دقیق تر عمق استراتژیک دولت این کشور مطرح بوده است. تحولات پس از کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ و فروپاشی جمهوری سردار داوودی در افغانستان، پاکستان را مصر کرد تا در افغانستان برای خود منافعی تعریف کند و فراتر از آن، افغانستان را به عنوان دهلیز راهبردی منافع خویش یعنی همان عمق استراتژیک خود بر گزیند.

واضح است که اوضاع نابسامان کشور در طول چندین دهه پس از کودتای هفتم ثور که در قالب اشغال افغانستان بوسیله شوروی سابق، به قدرت رسیدن مجاهدین و آغاز جنگهای ویرانگر داخلی، به قدرت رسیدن طالبان و شروع خفقان و اختناق سیستماتیک این رژیم و پس از ٦ سال، سرکوب این گروه به وسیله بلوک غرب و سرانجام حضور ١٦ ساله توام با ناامنی های پلان شده و دوامدار در افغانستان، رقم خورد، همسایه جنوبی این کشور بحران زده و نابسامان را بیشتر از هر دوره و زمان دیگر به دخالت بسیار جدی در افغانستان، تحریک و تشویق کرد.

پاکستان که می دید که اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در افغانستان بیش از حد تصور و باور وخیم و آشفته است و سران و رهبران افغان نیز بجای آنکه طرحی برای کشور خویش داشته باشند و فکریِ بحال کشور و مردم خویش بکنند، شدیداً درگیر قدرت خواهی و ریاست طلبی ولو به هر قیمت و بهایی هستند، و جز منافع سخیف گروهی و شخصی چیز دیگری برای آنان ارزش و اهمیتی ندارد، پا پیش نهادند و با همه نیرو و قدرت و توان و بدون هراس از سران و مقامات برحال افغان اعم از مجاهد و کمونیست و سکولار، وارد بازی با سرنوشت افغانها شدند و ...

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله

## ترامپ، گردبادی که نباید مهار شود!

ادامه از صفحه اول / ترامپ در پالیسی های مزورانه اش در باره چین و روسیه، سران این دو کشور قدرتمند را در کمند انتظار نگه می دارد و مثلاً به آنان می گوید و این گونه القاء می کند که او با دیگران فرق دارد و سیاست فرداهای ایالات متحده امریکا با این دو رقیب دیرنه اش بهتر از هر زمان دیگر و حاکمیت هر رئیس جمهور دیگر در امریکا خواهد بود.

در باره ایران که از همه آشکارا تر است؛ چرا که ترامپ در زمان کمپاین انتخاباتی اش مکرر از توافق هسته ای با ایران انتقاد کرده بود و از اساس یک چنین رویکرد نسبت به موضوع هسته ای ایران را قبول ندارد و موضع نه چندان دوستانه وی با مسلمانان که زبانزد خاص و عام شده و همین امر نیز موجب شد تا ترامپ در ساحات مسلمان نشین امریکا در برابر رقیب اتخاباتی اش، حتی یک رای را هم برنده نباشد.

بدبینی نسبت به این رئیس جمهور متفاوت تنها محدود به جامعه مسلمان امریکا نمی شود و در آستانه تحلیف ترامپ، نظر سنجی ها در کل جامعه امریکا بدبینی ۵۲ درصدی از وی را نشان می دهد. « به نقل از ان‌بی‌سی نیوز؛ دونالد ترامپ، پیروز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در حالی روز جمعه به کاخ سفید می‌رود که در میان رؤسای جمهور این کشور به رکورد جالبی دست پیدا کرده است: درصد تأیید عملکرد وی از سوی آمریکایی‌ها برای یک رئیس‌جمهور تازه‌وارد در پایینترین سطح ممکن قرار دارد.

نظرسنجی جدید ان‌بی‌سی نیوز و وال استریت ژورنال نشان می‌دهد ۵۲ درصد از آمریکایی‌ها از نحوه عملکرد ترامپ در زمان انتقال قدرت ناراضی هستند و تنها ٤٤ درصد از مردم آمریکا عملکرد وی را تأیید می‌کنند. این در حالی است که ۱ ماه پیش، ۵۰ درصد از آمریکایی‌ها معتقد بودند عملکرد ترامپ در دوران انتقال قدرت مطلوب است. در مقام مقایسه، رضایت آمریکایی‌ها از عملکرد باراک اوباما در جنوری ۲۰۰۹ و پیش از سوگند ریاست جمهوری ۷۱ درصد بود. همچنین ۷۷ درصد از آمریکایی‌ها در دسامبر سال ۱۹۹۲ از بیل کلینتون رضایت داشتند.

بر اساس این نظرسنجی، تنها ۳۸ درصد از آمریکایی‌ها نسبت به ترامپ نگرش مثبتی دارند و نگرش ٤۸ درصد از مردم نسبت به وی منفی است که برای یک رئیس‌جمهور تازه‌کار در تاریخچه نظرسنجی ان‌بی‌سی نیوز و وال استریت ژورنال یک رکورد محسوب می‌شود.»

در هر حال، ظاهر سازی سران کاخ سفید و به خصوص شورای تصمیم گیری ایالات متحده امریکا هر چه باشد که این بار می خواهند با شخصیتی متفاوتی مانند ترامپ به آن جامه تطبیق بپوشانند، جهان و به خصوص قدرتهای رقیب امریکا به خوبی از نیات امریکایی ها آگاهی دارند و می دانند که در پشت این ظاهر معقول و آراسته و سخنان نرم و گرم دونالد ترامپ، کینه عمیقی نهفته است که ناشی از ضربه خوردن مقام یکه تازی و تک قطبی محوری ایالات متحده امریکا توسط رقبای شرقی آن چون چین، روسیه و متحدان منطقه ای و جهانی آنها می باشد. اظهارات اخیر سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه مبنی بر جملات زیل،:» امریکا با استقرار نیروهای نظامی بیشتر در اروپا رقابت تسلیحاتی جدیدی را آغاز می کند. این امر تاثیر ویرانگر بزرگی بر کل ساختار امنیتی اروپا می گذارد به گونه ای که واقعیت سیاسی و نظامی جدیدی را ایجاد و موازنه قوا در این قاره را برهم می زند که می تواند عواقب ویرانگر طولانی مدتی داشته باشد.

امریکا در روابط خود با روسیه، بدنبال اعمال یک رویکرد مقابله ای، نظیر دوران جنگ سرد است. امریکا به استقرار نیروهایش در اروپا همزمان با توسعه منطقه استقرار تجهیزات سپر موشکی در این قاره و به روز کردن سلاح های هسته ای خود در خاک اعضای ناتو ادامه می دهد. امریکایی ها ماه جاری میلادی تیپ تانک های زرهی متشکل از چهار نظامی و دو هزار و پانصد فقره تجهیزات و ادوات نظامی را در لهستان مستقر کردند» موید این واقعیت است که امریکای دوره ترامپ و پس از آن، تلاش خود را در جهت تک قطبی ساختن جهان بسیج می کند؛ حتی اگر این تلاش منجر به خلق بحرانهای تازه در منطقه و فراتر از آن در کل جهان شود و موجبات تخریب و کشتار بسیاری از کشورها و ملتها را نیز فراهم کند.

# خواب زمستانی مجلس و یک آرزوی ناتمام

مجلس نمایندگان در آخرین نشست عمومی خود در سال ششم دوره شانزده‌هم کاری، از رییس جمهور غنی خواست که به فیصله های شورای ملی احترام بگذارد.

نعمت الله غفاری؛ معاون دوم مجلس نمایندگان گفت:»از شخص رییس جمهور می خواهم که به فیصله های شورای ملی به ویژه فیصله های مجلس نمایندگان احترام بگذارد».

این در حالی است که مجلس نمایندگان در دوره شانزدهم سال ششم خود، ۱٦ وزیر کابینه را به دلیل مصرف کم بودجه توسعه ای، استیضاح و ۷ وزیر را رد صلاحیت کرد.

اما رییس جمهور غنی استیضاح وزرای کابینه را «غیر موجه» خواند و از وزرای سلب صلاحیت شده خواست که تا اعلام موقف دادگاه عالی به کار شان ادامه دهند.

آقای غنی در این مورد از دادگاه عالی خواستار تفسیر قانون اساسی شده؛ ولی دادگاه عالی با گذشت نزدیک به دو ماه هنوز موقف اش را اعلام نکرده است.

مجلس نمایندگان با ارائه گزارش یک دوره کاری خود به رخصتی های ٤۵ روزه زمستانی رفت.

به این ترتیب، مجلس نمایندگان، به یک معنا در حالی به خواب زمستانی رفت که بازهم در تقابل با حکومت، بازنده شد و نتوانست به صورت درست و مقتضی، از جایگاه سیاسی و حقوقی این نهاد در برابر اراده انحصارگر و سلطه جوی ویژه حکومت ها، دفاع و از اقتدار لازم نهاد قانون گذاری، صیانت کند.

نمایندگان مجلس در حالی تعطیلات یک و نیم ماهه زمستانی خود را آغاز کردند که پیش از این، شرط گذاشته بودند که اگر حکومت، نامزدوزیران تازه ای را به جای وزرای سلب صلاحیت شده، معرفی نکند این نهاد نیز از تصویب طرح بودجه ملی، احتراز خواهد کرد.

حکومت اما بی اعتنا به این تهدید، بر مجلس فشار وارد کرد تا تصویب طرح بودجه ملی را بدون هیچ گونه پیش شرطی روی دست بگیرد و این اتفاق در آستانه تعطیلات زمستانی مجلس، به سرانجام رسید.

اینکه چه عامل یا اهرمی موجب شد تا نمایندگان مجلس، شرط پیشین خود مبنی بر تصویب بودجه در برابر معرفی نامزدوزرای تازه را فراموش کنند و به تصویب بودجه، بدون تحقق این پیش شرط، رأی دهند، بازهم مانند بسیاری از عملکردهای مبهم و پرسش برانگیز اعضای مجلس نمایندگان در برابر حکومت، نامشخص است.

شماری از کارشناسان، در یک برداشت نسبتا بدبینانه اما مبتنی بر نوعی واقع بینی پیشینی، احتمال می دهند که شاید در مورد تصویب طرح بودجه نیز حکومت با استفاده از همان پاشنه آشیل همیشگی اعضای مجلس، یعنی رخنه و اعمال نظر از مسیر تطمیع و تأمین مالی نمایندگان، توانسته به مقصد مورد نظر خود دست پیدا کند.

اما این در حال حاضر یک احتمال است و می تواند درست یا نادرست باشد. چیزی که در این میان وجود دارد این است که حکومت همچنان بی اعتنا به رأی، جایگاه، صلاحیت های قانونی، اقتدار سیاسی و اعتبار حقوقی نهاد قانون گذاری، از معرفی نامزدوزرای تازه به جای وزیران سلب صلاحیت شده، نه تنها اعراض کرده؛ بلکه حتی حق و صلاحیت مجلس در سلب صلاحیت از وزرای ناکارآمد را هم «غیر موجه» خوانده و آن را با ارجاع به دادگاه عالی، به چالش کشیده است.

با این حساب، به باور منتقدان، خواب زمستانی اعضای مجلس، با یک آرزوی ناتمام آغاز شد؛ آرزوی به رسمیت شناخته شدن جایگاه مجلس و احترام به تصمیم های آن در چارچوب قانون اساسی و اصول وظایف داخلی اش از سوی حکومت.

برای حکومت اما همه چیز به نحوی کاملا مطلوب در حال انجام است. مجلس برای ٤۵ روز دیگر، هیچ مزاحمتی برای حکومت ایجاد نخواهد کرد و از آنسو، مهم ترین وابستگی و نیاز حکومت به مجلس یعنی تصویب طرح پیشنهادی بودجه ملی هم محقق شده است.

اکنون و با تعطیل شدن مجلس نمایندگان، حکومتی ها ٤۵ روز آرامی را تجربه خواهند کرد.

پس از آن، مقدمات انتخابات پارلمانی آینده آغاز خواهد شد که در چارچوب آن، وکلا برای کسب دوباره کرسی در مجلس، نیاز بیشتری به حمایت های پیدا و پنهان رهبران حکومت و وزرای کابینه پیدا خواهند کرد و بی تردید، رابطه پر فراز و نشیب، پیچیده، بی ثبات و بعضا پرتنش دو قوه، اندکی آرام تر خواهد شد و فضای دوستی و همکاری های سازمانی، جای جو ناپایدار جاری را خواهد گرفت.

# پدر معنوی طالبان و اشرف غنی درباره پروسه صلح رایزنی کردند

«مولانا سمیع الحق» سیاستمدار پاکستانی و رهبر حزب «جمعیت علمای اسلام شاخه سمیع» که به ‹پدر معنوی طالبان› معروف است، در گفت و گوی تلفونی با اشرف غنی رئیس جمهور، درباره راه های کمک به برقراری صلح در افغانستان گفت و گو کرد.

به گزارش خبرگزاری آوا، ‹عمر زاخیلوال› سفیر افغانستان در اسلام آباد روز جمعه در این باره گفت: این تماس تلفونی، همزمان با ملاقات اخیر وی با مولانا سمیع الحق و در حضور او انجام شده است.

در جریان دیدار سفیر افغانستان در پاکستان با مولانا سمیع الحق در مدرسه ‹دارالعلوم حقانیه› متعلق به این چهره مذهبی–سیاسی پاکستان واقع در شهر ‹اَکوره خَتَک›، زاخیلوال زمینه گفت وگوی تلفونی پدر معنوی طالبان و اشرف غنی را فراهم کرد.

این دومین دیدار سفیر افغانستان با پدر معنوی طالبان در مدرسه وی درچند ماه اخیر محسوب می شود.

سمیع الحق و اشرف غنی در گفت

وگوی تلفونی خود که ۳۰ دقیقه به طول انجامید، درباره راه های بازگرداندن صلح در افغانستان تبادل نظر کردند.

رئیس جمهوری افغانستان از مولانا سمیع الحق به عنوان شخصیت معنوی طالبان و یک چهره قابل احترام نزد ملت افغانستان توصیف کرد و گفت: پدر معنوی طالبان همیشه خواستار برقراری صلح در افغانستان بوده است.

مولانا سمیع الحق نیز با تاکید بر ارتقای صلح و ثبات هم در افغانستان و هم در پاکستان، گفت که رهبران حکومت برای رسیدن به هدف صلح در کشور باید نقش فعال تری ایفا کنند. وی افزود: فداکاری مردم افغانستان برای صلح در کشورشان نباید از بین برود، بلکه دولت و مردم افغانستان باید خود را از نیروهای خارجی مستقر در این کشور جدا کنند.

پدر معنوی طالبان همچنین از حسن نیت خود و آمادگی برای ایفای نقش در مسیر از بین بردن تنش میان دولت کابل و طالبان خبر داد.

وی همچنین از دولت های پاکستان و افغانستان خواست تا اختلافات خود را از طریق گفت وگو و رایزنی حل و فصل کنند.

به گزارش ایرنا، مولانا سمیع الحق در این تماس تلفونی، نسبت به گسترش نفوذ هند در افغانستان ابراز نگرانی کرد.

با این حال سفیر افغانستان اعلام کرد: رهبران طالبان باید گام های رو به جلو بردارند و با دولت، پای میز مذاکره بنشینند.

ملاقات زاخیلوال با سمیع الحق و تماس تلفونی این شخصیت مذهبی–سیاسی پاکستانی مورد قبول طالبان و دولت افغانستان، در شرایطی انجام شده است که تنش ها میان کابل و اسلام آباد پس از تشدید حملات تروریستی اخیر در افغانستان، بحرانی تر شده است.

# نشست سه جانبه روسیه، پاکستان و چین وضعیت افغانستان را پیچیده ساخته است

اسماعیل قاسمیار؛ مسوول روابط خارجی شورای عالی صلح می‌گوید: کشورهای جهان به خاطرمنافع شان نمی خواهند که درافغانستان صلح به وجود بیاید.

به گزارش خبرگزاری آوا، سیده مژگان مصطفوی معین نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ روز (پنجشنبه) که در نشست تخصصی انستیتوت صلح، رسانه، و حکومت داری خوب صحبت می کرد، گفت: صلح نیاز مبرم مردم افغانستان می باشد و رسانه ها می توانند نقش اساسی را برای تامین صلح در افغانستان بازی کنند.

موصوف اظهارداشت: امروز مردم به پیام‌های رسانه‌ها اعتماد پیدا کرده و باید رسانه‌ها از اعمال حکومت نظارت داشته باشند.

مصطفوی از نمایندگان رسانه خواست که از کارشناسانی در بحث های خود دعوت کنند که روحیه ملی داشته باشند و کسانی را دعوت نکنند که وابسته کشورهای خارجی باشند.

همچنان اسماعیل قاسمیار دراین نشست گفت: دخیل شدن کشورهای روسیه، چین و پاکستان مساله صلح افغانستان را پیچیده ساخته است و افغانستان را به میدان رقابت های جهان تبدیل کرده است.

بر اساس گفته های وی کشورهای دخیل در پروسه صلح افغانستان منافع خود شان را در کشور ما جستجو کرده و یک بازی بزرگی را در افغانستان راه انداخته اند که قربانی اصلی این بازی مردم مظلوم ما هستند ...

ادامه در صفحه ٤

یادداشت

## پاکستان و نگاهِ از بالا به پائین به افغانستان!

ادامه از صفحه اول / از کشور آنها به عنوان عمق استراتژیک منافع نامشروع خویش در سطح منطقه سخن گفتند و رجز خواندند و از این طریق باجهایی را نیز از کشورهای غربی ستاندند و با آن پولها بنیه و اساس قدرت نظامی خویش را استحکام بخشیدند و تا توانستند دولت و کشور خویش را قوی ساختند؛ تا جاییکه از طفیل پیامدهای جهاد و مبارزات مردم مسلمان افغانستان به سلاح هسته ای نیز مجهز شدند.

بیشتری از آگاهان بر این باورند که اگر نبود مبارزات بی وقفه مجاهدین افغان در برابر اشغالگری نیروهای شوروی سابق و کمک دولت وقت پاکستان به این روند؛ یعنی کمک پاکستان به روندی که منجر به فروپاشی امپراتوری ابر قدرت شرق گردید، ممکن نبود بلوک غرب به سرکردگی ایالات متحده امریکا به دولت پاکستان این اجازه را بدهد تا صاحب سلاح اتمی بشود.

در هر حال، پاکستان در عرض و طول حدود چهار دهه که نسبت به افغانستان و دولتها و ملت آن یک نقش کاملاً خصمانه و تخریبی داشت، هم خود را قوی ساخت و هم صاحب سلاح هسته ای شد و هم در تخریب افغانستان نقش عمده بازی کرد و هم کاری کرد که این کشور لااقل در ۱۰۰ سال آینده هم نتواند روی پای خودش استوار بایستد؛ حال و در یک چنین اوضاع و احوالی سران اسلام آباد به خود حق می دهند تا افغانستان و دولت و مردم آن را به حساب نیاورند و نگاه آنها به دولت و ملت افغان، همواره نگاهِ از بالا به پایین باشد.

با همین رویکرد و نگاه از بالا به پایین است که سران اسلام آباد همواره به خود حق می دهند تا دولتمردان و مردم ما را تحقیر کنند و با اظهارات بودار و دخالت گرانه، به شعور و درایت دولتمردان و ملت ما اهانت روا بدارند؛ با همین رویکرد مزورانه اظهارات اخیر مشاور روابط بین الملل نخست وزیر پاکستان، قابل تامل و پاسخگویی است.

«سرتاج عزیز، مشاور روابط بین المللی صدر اعظم پاکستان، در مصاحبه ای با یکی از رسانه ها گفته است: گروه طالبان قادر نیست تا مناطق بزرگ و یا پایتخت افغانستان را به تصرف خود بیاورد، اما افراد این گروه قادر هستند تا برای مدت طولانی به شورش شان ادامه دهند.

رهبران حکومت افغانستان دست از مقصر خواندن اسلام آباد مبنی بر بدتر شدن اوضاع امنیتی افغانستان بکشند و در عوض پالیسی شان را در قسمت مذاکرات صلح و ختم شورشگری در افغانستان بازنگری کنند.

مقامات افغانستان در مورد طالبان اجماع سیاسی ندارند، زیرا در مورد اینکه آیا با طالبان به مثابهٔ دهشت افگن رفتار صورت گیرد و یا طرف دخیل در سیاست های ملی، ابهام موجود است. موجودیت ابهام در مورد گروه طالبان، تلاش های مذاکرات صلح را با مشکل مواجه کرده است.

نیروهای بین المللی در تلاش هستند که افغانستان را در جلوگیری از دست یافتن طالبان به قلمرو وسیعتر کمک کنند، زیرا اگر آنان اراضی بیشتری را تصرف کنند، واضحاً که مایل به مذاکره نخواهند بود. در برخورد با طالبان باید موضع متحدانه اتخاذ گردد و به آنها و سایر گروه ها یک پیام واضح داده شود که تمام جهان خواستار مذاکرهٔ آنان با کابل است.»

اگر به جملات این مشاور پیر پاکستانی دقت شود، در خواهیم یافت که خواسته و دوست داشته تا اظهارات خویش را به عنوان یک دستورالعمل به دولتمردان افغان دیکته و تحمیل کند. از آن آغاز که توانایی طالبان در شورشگری و ادامه ناامنی ها را به رخ دولت افغانستان می کشد؛ تا پایان سخنش که به نوعی مقامات حکومتی ما را در عدم اجماع نسبت به گروه طالبان، متهم و مقصر جلوه می دهد، فقط حاکی یک پیام است و بس و آن اینکه افغانها توانایی مدیریت و اداره کشور خویش را ندارند و این دولتمردان پاکستانی است که لازم است به کمک افغانستان و دولت و مردم آن بشتابند و آنان را در تشکیل یک دولت مشروع و فراگیر و البته با محوریت گروه طالبان، مدد برسانند و یاری کنند!.

**رئیس حزب اسلامی تبیان:**

# امنیت ملی در کشور زمانی تامین می شود که چهار ستون آن یعنی فرهنگ، سیاست، اقتصاد و نظام، از قوام و قدرت کافی برخوردار باشد

**غربی‌ها هم نه تنها که علاقه ندارند که مخالفان اینها در افغانستان جایگاه و پایگاهی داشته باشند؛ بلکه علیه روس‌ها هر روز جبهه گیری می‌کنند، علیه ایران از اول انقلاب این جبهه گیری‌ها آغاز شد و تاکنون هم ادامه دارد و علیه چینی‌ها هم اگر چه ممکن است خیلی عریان موضع نداشته باشند اما از زیر دل موضع دارند.**

حجت الاسلام و المسلمین، سیدعیسی حسینی مزاری، رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان در خطبه اول نماز جمعه مسجد رسول الله(ص) در حضور هزاران نمازگزار مرد و زن اهل مزارشریف، با قرائت آیه ۱۷ سوره قمر خود و مردم را به رعایت تقوای الهی توصیه کرد.

آقای مزاری افزود: وجود تقوا ضامن سلامت نفس و جسم است که زمینه رشد و ترقی یک فرد و یک جامعه را و در نهایت اسباب رسیدن به خدا را فراهم می‌کند.

وی اشاره کرد که حتماً در رابطه با اهمیت و جایگاه تقوا در نمازهای جمعه و سایر مجالس شنیده‌اید که اگر تقوا بصورت فردی و اجتماعی وجود داشته باشد، چه تاثیراتی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به وجود می‌آورد؛ اما اگر در جامعه‌ی تقوا وجود نداشته باشد، پرهیز از گناه در وجود انسان‌ها به نظر نرسد و نهادینه نشده باشد قطعاً در آن جامعه گناه زیاد می‌شود و انسان‌ها به سمت گناه به راحتی پیش خواهند رفت و گرفتار آلودگی‌های مختلف خواهند شد.

به گزارش خبرگزاری صدای افغان(آوا)، آقای مزاری علاوه کرد که براساس بررسی‌های صورت گرفته، گناه آثار و پیامدهای بسیار شوم و منفی هم در بحث فردی و هم در بحث اجتماعی در پی‌دارد که همین آثار و پیامدها زندگی انسان‌ها را با معضلات و گرفتاری‌ها مواجه می‌سازد.

براساس گفته‌های آقای مزاری؛ امروز اگر جوامع اسلامی به خصوص کشور خودما گرفتار این همه جنجال و معضل است قسمت اعظم آن‌ها ناشی از گناهانیست که ما مرتکب میشویم.

رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان تاکید کرد که هر زمان در جامعه ما معضلاتی پیش آمد و یا به صورت فردی مشکلاتی در زندگی ما پیدا شد، خداوند را مخاطب قرار ندهیم که چرا ما اینهمه دچار معضل و گرفتاری هستیم، بلکه به جای اینهمه سوال از خداوند متعال نسبت به زندگی خود و افراد این جامعه فکر و مطالعه کنیم و ببینم که چه زمینه‌ها و عواملی وجود دارد که در این کشور از آسمان و زمین بر ما مصیبت و گرفتاری می‌بارد.

آقای مزاری اشاره به آیت فوق کرد و افزود: آنچه از مصیبت به بندگان خدا می‌رسد ناشی از عملکرد خود انسان‌ها است.

وی خاطر نشان کرد که این مصیبت ها تنها مربوط بخشی از گناهان بندگان خدا است، در حالیکه خداوند از بسیاری گناهان ما می‌گذرد و اگر قرار می‌بود که برای هر گناهی ما بلایی نازل می‌کرد ما دیگر روی خوشبختی را نمی دیدیم.

آقای مزاری تصریح کرد که پیامدهای گناه در جامعه شامل محرومیت از کسب علم، محرومیت از کسب روزی، وحشت و تنهایی میان انسان و خدا، وحشت و تنهایی میان انسان و مردم، گِره خوردن در امورات زندگی، تاریکی قبر، محرومیت از طاعت و عبادت، کوتاه شدن عمر، کشش به سوی گناهان دیگر و بیشتر، تضعیف قصد عبادت و طاعت، اثر گذاری گناه بالای تمام جانداران، فاسد شدن عقل، مهر در دل، جلب لعنت خدا بر گناهکار، محروم شدن از دعای پیامبران و فرشتگان، بی حیایی و زندگی پر درد سر، و... می‌شود.

دبیرکل حزب اسلامی تبیان ادامه داد که این بخشی از آثار و پیامدهای گناه است؛ در حالیکه قطعاً پیامدهای گناه از این بیشتر است.

آقای مزاری هم‌چنان یادآور شد که حتی مرگ‌های ناگهانی ما ناشی از گناهان ما است و ما روایت داریم که بیش از ۸۰ درصد مرگ غیر طبیعی بندگان خدا ناشی از گناهانش است.

اختلافات در سطح خانواده‌ها و جامعه، مشکلات در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی دیگر پیامدهای گناه از سوی رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان عنوان شد.

آقای مزاری خطاب به نمازگزاران تاکید کرد که اگر علاقمندید تا زندگی پر نشاط داشته باشید و از اقتدار، رفاه و آرامش برخوردار شوید باید بیشتر به رعایت تقوا توجه داشته باشید.

وی با بیان این سوال که وقتی جامعه اسلامی گناه‌شان این همه پیامد دارد پس چرا غربی‌ها و امریکایی‌ها اینقدر مقتدر اند؟ و یا در همین سرزمین خودما اکثر اشخاصی‌که گناه می‌کنند مشکلات کمتر دارند؟ با قرائت آیه ۱۷۸ سوره آل عمران گفت: آنها که کافر شدند تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم به سود شان است، ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوار کننده است.

رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان هم‌چنین یادآور شد که اگر مسلمانی براساس گناهی که مرتکب شده، گرفتار بلا و مصیبت می‌شود، باید خدا را شکر کند که خداوند این فرد را دوست دارد و بخاطر گناهش می‌خواهد در همین‌جا زمینه‌های پاک و منزه شدن این فرد را فراهم کند تا در آن دنیا خیلی حساب و کتاب زیاد و بزرگی نداشته باشد.

آقای مزاری با بیان اینکه چه بهتر که ما در زندگی خود سعی و تلاش کنیم تا پاک و منزه باشیم و در مسیر دین خود را قرار دهیم، افزود که مطمیناً اگر ما در زندگی خود بر اساس قواعد و قوانین الهی عمل کنیم ما از مرفه ترین انسان‌های روی زمین خواهیم بود و سربلند و با افتخار زندگی خواهیم کرد.

این شخصیت صاحب نظر امور دینی، در خطبه دوم نماز جمعه ضمن توصیه بار دیگر خود و نماز گزاران به تقوای الهی، پیرامون تحولات سیاسی اخیر و شرایط امنیتی کشور صحبت کرد.

آقای مزاری اشاره کرد: در کنار اینکه هفته گذشته چندین عملیات بسیار خطرناک در کشور صورت گرفت و تعدادی از فرزندان این وطن به خاک و خون کشانیده شد، هر شب و روز اخبار غم انگیزی به گوش ما می‌رسد.

رئیس عمومی مرکز فعالیت های فرهنگی اجتماعی تبیان علاوه کرد که متاسفانه روند شرایط کشور به گونه‌ای است که هر روز که از عمر حکومت بعد از طالبان می‌گذرد و ما پیشتر می‌رویم وضعیت امنیت در کشور ما خراب‌تر شده می‌رود.

آقای مزاری با بیان اینکه برای توزیع وضعیت فعلی لازم می‌دانم گزارش دیدار خود با یکی از بزرگان حکومت را خدمت شما عنوان کنم افزود که هفته گذشته با ایشان دیدار داشتم و اشاره به اختلافات، مشکلات و ناامنی‌های اخیر کردم.

این آگاه سیاسی اضافه کرد که در نتیجه من با ایشان گفتم که عامل همه این معضلات و مشکلات بر می‌گردد به سیاست ها و نحوه عملکرد خود حکومت افغانستان، چون حکومت افغانستان لازم بود که در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی فعالتر برنامه می‌داشت و فعال تر برخورد می‌کرد؛ در حالیکه متاسفانه این حاکمیت و حاکمیت قبلی از چنین برنامه ریزی برخوردار نبود و این وضع باعث شد تا مشکلات هر روز افزایش یابد.

آقای مزاری افزود: مثلاً لازم بود که حکومت افغانستان در مرحله اول در عرصه سیاست داخلی به وضعیت خود رسیدگی می‌کرد و اختلافاتی موجود در درون حکومت را از میان بر می‌داشت و همه دست به دست هم داده در عرصه مسایل امنیتی حرکت درستی ترتیب می‌دادند.

این آگاه امور دینی با بیان اینکه امروز ما در عرصه امنیت در بخش‌های مختلف از ضعف‌های بسیار جدی برخوردار هستیم افزود که تا حال شما کجا دیدید که حکومت یک عامل انتحاری و کسانیکه امنیت کشور را اخلال کرده‌است، را دستگیر و در محضر عام اعدام کرده باشد.

وی ی افزود: با وجود اینکه در برخی موارد ترورها و انفجارات در نزدیکی مراکز امنیتی رخ داده است؛ اما این مراکز و پایگاه‌ها هیچ واکنشی از خود نشان نداده‌اند، که این نشانگر آن است که حکومت در عرصه تامین امنیت یا برنامه درست ندارد یا قصد حرکت و کار در این حوزه را ندارد.

آقای مزاری خاطر نشان کرد که سیاست داخلی حکومت در عرصه امنیت می‌لنگد و در عرصه‌های مرتبط با امنیت (امنیت جانی، امنیت روانی، امنیت اخلاقی و امنیت اقتصادی) ما مشکل داریم.

رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان افزود که ما در عرصه فرهنگی نیز معضلات بزرگ داریم و ببینید که امروز با فرهنگ مردم، با عنعنات مردم و با فکر و اندیشه مردم چه‌گونه برخورد می‌شود.

براساس گفته‌های آقای مزاری تا زمانیکه در یک جامعه فرهنگ سالم وجود نداشته باشد و این فرهنگ سالم در لایه های مختلف اجتماع ظهور و بروز نداشته باشد آن جامعه نمی‌تواند از اقتدار کافی برخوردار باشد و در راستای تامین امنیت در درون خود توفیق داشته باشد.

آقای مزاری افزود: امروز ببینید که رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی، موسسات داخلی و خارجی، ارگان‌ها ونهادهای که برخی‌های شان ممکن از هویت مبهم برخوردار باشند با اعتقادات مردم، با فکر مردم و با اندیشه مردم چه‌گونه بازی می‌کنند.

دبیرکل حزب اسلامی تبیان، هشدار داد که قطعاً اگر سیاست دولت در راستای مسایل فرهنگی به همین منوال به پیش برود، زمینه های فروپاشی این جامعه و این مملکت دیری نخواهد بود که فرا برسد و مردم با معضلات خیلی جدی مواجه شود.

وی با بیان اینکه در عرصه سیاست، اقتصاد و نظام هم به همین شیوه است، افزود که در مجموع امنیت ملی یک کشور متشکل از چهار ستون – فرهنگ، اقتصاد، سیاست و نظام و حرکت و برنامه‌های نظامی– است، که اگر این چهار ستون از قوت و اقتدار برخوردار نباشد امنیت ملی در یک کشور شکل نمی‌گیرد. آقای مزاری تاکید کرد که اگر این چهار ستون در یک کشور از اقتدار برخوردار باشد؛ آن کشور در سایر عرصه‌ها نیز رشد پیدا خواهد کرد.

رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان در ادامه افزود که حکومت در عرصه سیاست خارجی نیز ناکام بوده‌است و در این عرصه حرکت‌های اشتباه آمیزی را مرتکب شده‌است.

وی اشاره کرد که به عنوان مثال حکومت افغانستان می‌توانست زمینه‌های نزدیکی روسها را با دولت و حکومت فراهم کند؛ هم‌چنان می‌توانست چینی‌ها را بیش از آن چیزی که هستند برای خود نزدیک کنند.

آقای مزاری ادامه داد، حکومت باید خود را با حکومت جمهوری اسلامی ایران نزدیک می‌کرد و از ظرفیت‌های این حکومت و این نظام در مسایل افغانستان استفاده می‌کرد؛ اما حکومت افغانستان این کار را نکرد و سیاست‌های یک سویه و همسو با سیاست‌های غرب را در پیش گرفت.

رئیس عمومی مرکز فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی تبیان خاطر نشان کرد که غربی‌ها هم نه تنها که علاقه ندارند که مخالفان اینها در افغانستان جایگاه و پایگاهی داشته باشند؛ بلکه علیه روس‌ها هر روز جبهه گیری می‌کنند، علیه ایران از اول انقلاب این جبهه گیری‌ها آغاز شد و تاکنون هم ادامه دارد و علیه چینی‌ها هم اگر چه ممکن است خیلی عریان موضع نداشته باشند اما از زیر دل موضع دارند.

آقای مزاری اشاره کرد: پاکستان که در جبهه مقابل روسها حضور داشت و همچنان در برابر منافع چینی‌ها در افغانستان حضور داشت و حالا هم حضور دارد؛ اما حالا توفیق پیدا می‌کند که ائتلافی را با چینی‌ها و روسها ایجاد کند و بعدش زمینه ارتباط طالبان را با مسکو و چین برقرار سازد.

دبیرکل حزب اسلامی تبیان، ادامه داد که امروز ما گرفتار یک رویکردی دیگری در سطح افغانستان و منطقه شدیم شما ببنید که حالا حرف و حدیث است که طالبان با پشتوانه روسها در داخل افغانستان می جنگند و حضور جدی دارند.

آقای مزاری خاطر نشان کرد که این مباحث را در آن دیدار مطرح کردم، اما آن بزرگوار نسبت به صحبت‌های من نقد داشت و صحبت‌ها و دیدگاه‌های ما را قبول نداشت و تاکید داشت که این چنین نیست.

وی افزود که بیشتر ایشان در رابطه با سیاست خارجی اشاره کرد که افغانستان با چینی‌ها و روس‌ها و ایرانی‌ها رابطه‌اش خیلی خوب است و این ائتلافی که به وجود آمده از جایگاهی برخوردار نیست و مشکلی برای افغانستان نمی‌تواند ایجاد کند و طالبان هم از موقعیت و جایگاهی برخوردار نیستند و حکومت افغانستان به دنبال جمهوری اسلامی ایران است و قرارداد های مختلفی را با جمهوری اسلامی ایران امضا کرده و همچنان افزود که رابطه ما با هندی ها خیلی خوب است.

آقای مزاری هم‌چنان در بخشی از سخنان خود اشاره به فروریزی ساختمان هفده طبقه در تهران کرد و افزود که فروریزی این ساختمان خیلی غم انگیز بود، با توجه بر اینکه کشور اسلامی بود و همسایه ما بود و طبیعی است که ما باید اظهار هم‌دردی کنیم.

ایشان ادامه داد که متاسفانه در این حادثه ده‌ها نفر جان خود را از دست دادند و صد ها نفر دیگر مصدوم گردیدند و صدها میلیارد تومان آسیب به مردم رسید که من این حادثه غم انگیز جان باختن تعدادی در حادثه فروریزی ساختمان ۱۷ طبقه در تهران را تسلیت می گویم و برای از دست رفتگان غفران الهی و برای زخمی‌ها از خداوند متعال شفای عاجل استدعا دارم.

آقای مزاری در اخیر تاکید کرد که پنجشبه آینده از سالگرد شهادت شهید مصباح و هشت تن از یاران شهیدش یادبود به عمل می آید. وی با بیان اینکه تجلیل از شهدا ما را به مسیر درست هدایت می‌کند و بحث شهید و شهادت را در روحیه ما زنده می‌کند، تاکید بر اشتراک در این مراسم کرد.

این کارشناس مسایل سیاسی افزود که تجلیل از شهدا به گفته حضرت امام خامنه‌ای کمتر از اجر شهادت نیست و ما باید در زندگی خود توجه جدی به این موضوع داشته باشیم و هزینه‌ای را برای تجلیل از مقام این شهدا اختصاص دهیم.

آقای مزاری با بیان اینکه با تجلیل از شهدا باید زمینه‌های بغض و عداوت را از بین ببریم خاطر نشان کرد که تجلیل از یک شهید باید بهانه برای تبیین اهداف شهدا به خصوص ایجاد وحدت و هماهنگی شود.

# انصاف

یکشنبه ۳ دلو ۱۳۹۵
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۳۸
۲۲ جنوری ۲۰۱۷
شماره ۱۱۲۶
سال پانزدهم
۴ صفحه


**قال الصادق (علیه السلام)**

اَلا اُحَدِّثُکَ بِمَکارِمِ الاَخْلاقِ؟ الصَّفْحُ عَنِ النّاسِ وَ مُواساةُ الرَّجُلِاَخاهُ فی مالِهِ وَ ذِکْرُ اللّهِ کَثیرا؛

**امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:**

آیا به شما بگویم که مکارم اخلاق چیست؟ گذشت کردن از مردم، کمک مالی به برادر (دینی) خود و بسیار به یاد خدا بودن.

معانی الأخبار، ص ۱۹۱، ح ۲


■ صاحب امتیاز و مدیر مسوول: سیدعیسی حسینی‌مزاری
■ ایمیل: Hosseinimazari@yahoo.com
■ سردبیر: سیدفاضل محجوب
■ زیر نظر هیأت تحریر
■ صفحه آرایی: انصاف
■ ترتیب نشر روزنامه
■ پذیرش آگهی: ۰۷۹۹۳۴۳۷۸۷
■ آدرس مکاتباتی: کابل ـ پست بکس ۱۳۹۰


### سخنگوی ریاست اجرائیه:

## ما متعهد به تطبیق مفاد موافقت‌نامه سیاسی هستیم!

سخنگوی ریاست اجرائیه در نخستین نشست خبری هفتگی این ریاست: ما متعهد به تطبیق مفاد موافقت‌نامه سیاسی هستیم!

داکتر مجیب الرحمان رحیمی سخنگو و رئیس امور رسانه‌های ریاست اجرائیه در این نشست خبری از حکومت وحدت ملی به عنوان حکومت اصلاحات یاد نمود و تاکید کرد: در این راستا گام‌هایی برداشته شده ولی اگر صادقانه همکاری می‌شد، بیش‌تر مشکلات در همان آغازین روزهای پس از ایجاد حکومت وحدت ملی حل می‌شد.

آقای رحیمی ضمن تقبیح حملات تروریستی درکشورکه بیش‌تر قربانیان آن را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند، شهامت و پایمردی نیروهای امنیتی کشور را ستود و از مجلس نمایندگان به خاطر تصویب طرح قانونی که بر اساس آن، همه شهروندان ملزم به استفاده از لقب شهید برای مدافعان تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی هستند، قدردانی نمود.

وی در حالی که به سیاست تنش زدایی تاکید و بهبود روابط با پاکستان را نیاز مبرم و به مصلحت مردم کشور عنوان کرد ، حمایت ازگروه‌های تروریستی را به نفع هیچ کشوری ندانست و گفت: مهم‌ترین خواست رهبری حکومت وحدت ملی از دولت جدید ایالات متحدهٔ امریکا این است که با استفاده از نفوذی که آن کشور بر پاکستان دارد، این کشور را وادار به عدم حمایت از تروریزم و گروه‌های تروریستی نماید.

سخنگوی ریاست اجرائیه، اصلاحات انتخاباتی را محصول تلاش‌های مداوم داکتر عبدالله عنوان نمود و آمادگی کشورهای کمک کننده به کمیسیون‌های برگزار کنندهٔ انتخابات را نیز ناشی از اعتمادی دانست که آنان به آن دست آورده‌اند.

وی درهمین‌حال و در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران گفت: با آقای گلبدین حکمتیار مثل سایر شهروندان برخورد خواهد شد و در عین‌حال به هیچ کسی اجازه داده نمی‌شود تا بیرون از چارچوب قوانین نافذهٔ کشور دست به فعالیت بزند.

آقای رحیمی، تصمیم رهبری حکومت وحدت ملی مبنی بر برکناری عبدالحکیم مجاهد به دلیل توجیه حملات تروریستی در کشور و اهانت به قهرمانان و نیروهای امنیتی کشور را قاطع عنوان نمود و تاکید کرد: این شخص، جایی در شورای عالی صلح ندارد و افراد همانند وی نیز باید بدانند که دولت اجازه نمی‌دهد که یک تعداد افراد، از یک‌سو در سایهٔ نظام زندگی کنند و از امتیازات آن استفاده نمایند و هم‌زمان مشغول توطئه علیه نظام و مردم باشند.

رئیس امور رسانه‌های ریاست اجرائیه هم‌چنان اعلام نمود: توزیع تذکرهٔ برقی یک پروسه دوام‌دار است ولی ریاست اجرائیه افزون برآنکه هیچ نقشی در تاخیر آن نداشته است، همواره کوشیده و می‌کوشد تا مردم افغانستان بسان دیگر ملل جهان، صاحب تذکرهٔ برقی گردیده و در عین‌حال تمام ابهامات و بهانه‌ها برای سوء استفاده در انتخابات‌ها از میان برداشته شود.

داکتر رحیمی در همین‌حال به بیان مختصری از فعالیت‌هایی پرداخت که در جریان دو هفتهٔ گذشته عملی گردید است:

۱. پیگیری و نظارت جدی و قاطع بحث تطبیق اصلاحات انتخاباتی و عملی‌ساختن اصلاحات مندرج در توافقنامه سیاسی چون تشکیل کمیسیون تهیه پیش‌نویس تعدیل قانون‌اساسی□توزیع تذکره برقی□ برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها.

۲. رسانیدن به‌موقع اکرامیه شهدا و کمک به‌زخمی‌ها: تشکیل کمیته‌ای به ریاست آقای برمک وزیر دولت در امور رسیدگی به‌حوادث برای بازنگری و تسهیل رسانیدن عاجل کمک‌ها.

۳. رسیدگی به‌مشکل بیجاشدگان ولایت‌های نا امن از طرف وزارت دولت در امور رسیدگی به‌حوادث در هماهنگی با وزارت امور مهاجرین.

٤. گزارش فیصدی اجراآت وزارت‌ها و ادارات مستقل دولتی از تحقق مصوبات شورای وزیران از ماه حمل الی اخیر عقرب ۱۳۹۵ از سوی دارالإنشای شورای وزیران که براساس آن و درجریان هشت ماه گذشته، شورای وزیران ١٤ جلسه تشکیل داده□ که طی این جلسات مجموعا ١٤٤ فیصله که شامل ٦٩٥ وظیفه می‌باشد صادر و مصوبات آن جهت تطبیق به وقت و زمان معین به وزارت‌ها و ادارات مستقل دولتی ارسال گردیده است.

از جمله فیصله‌ها و وظایف مذکور تا اکنون ٥٠٤ وظیفه از جانب وزارت‌خانه‌ها و ادارات جمهوری اسلامی افغانستان اجرا گردیده□ و ٥٩ وظیفه تحت اجرا قراردارد و از تحقق ۱۳۲ وظیفه محوله گزارش مواصلت نکرده‌است و نزد این اداره لااجرا تلقی می‌گردد. به این ترتیب □٧٣ فیصله‌ها و وظایف اجرا گردیده □٨ تحت اجرا قراردارد و ۱۹ فیصد تاهنوز اجرا نگردیده‌است.

٥. منع قطع و صدور چوپ چارتراش ولایت کنر.

٦. تاثیرات مثبت مهاجرت و طرح‌های وزارت امورمهاجرین و عودت‌کنندگان برای استفاده از سرمایه و درآمدهای مهاجران و استفاده از حرفه‌ها و اندوخته‌های آنان.

کمیته‌ای تحت نظر وزارت اقتصاد موظف گردید تا موضوع را بررسی و نتیجه را با پیشنهادات مشخص به کمیته اقتصادی شورای وزیران مطرح نماید.

٧. ثبت دارایی‌های کارمندان ادارات دارای عاید مالی طبق تعهدات بین‌المللی و ضرورت وزارت‌خانه‌ها برای مبارزه با فساد اداری.

٨. تصویب استراتیژی وزارت صحت عامه در پیوند به رسیدگی به‌صحت روانی‌خانم‌ها.

٩. تجلیل از هفته قانون اساسی و سخنرانی رییس اجراییه و بحث تعدیل قانون‌اساسی و تغییر نظام ریاستی به‌پارلمانی.

١٠. درنشست‌هایی که رییس اجراییه با مسوولین نظامی داشت روی اجرای حملات زمستانی علیه دشمن، تقویت نیروهای مسلح و اتخاذ تدابیر موثر و لازم به‌اساس نیازهای دفاعی و امنیتی افغانستان تاکید کرد.

١١. حملات انتحاری اخیر در کابل و قندهار و ادامه تحقیقات در این زمینه و صحبت تلفنی رئیس اجرائیه با وزیرامورخارجه امارات.

١٢. ملاقات با وزیر دولت در امورخارجه جاپان و وعده همکاری‌های اقتصادی آن کشور و سرمایه‌گذاری در بندرچابهار.

١٣. ملاقات با جنرال جوزف ووتل فرمانده نیروهای مرکزی ایالات متحده امریکا و بحث در رابطه به‌مبارزه با تروریزم، طالبان و حامیان تروریزم. پیش‌رفت قوای هوایی افغانستان و اعتماد به‌نفس این‌نیروها. دوبرابرشدن قوای کماندو و نیروهای ویژه و افزایش عملیات‌های ویژه. توجه بیش‌تر و جدی به‌قوای هوایی با در نظرداشت نیازهای دفاعی و امنیتی افغانستان و ضرورت به‌کمک و حضور موثر و قوی نیروهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۷ تا قوام یافتن نیروهای مسلح افغانستان.

## کیفیت رسانه در افغانستان، بهتر از کشورهای همسایه است

رشد چشمگیر کمی و کیفی رسانه های تصویری، صوتی و نوشتاری و همچنین نشرات دیجیتالی طی چند سال اخیر، افغانستان را در این زمینه نسبت به کشورهای همسایه برتری و تفوق بخشیده است.

به گزارش خبر گزاری آوا، سازمان نسل امید افغانستان طی کنفرانسی روز شنبه در تالار بین المللی وزارت اطلاعات و فرهنگ، ضمن حمایت از رسانه های کشور و ژورنالیستان، رشد و توسعه رسانه در افغانستان را باعث افتخار مردم عنوان کرد.

حمید سالنگی؛ بنیان گذار سازمان نسل امید افغانستان، با بیان اینکه رسانه آیینه تمام نمای دانش، فرهنگ و هنر یک ملت محسوب می شود، افزود: دولت باید از رسانه ها که در حقیقت سرمایه معنوی به شمار می رود، حمایت بیشتر کرده و برنامه های منظم تری را برای بهبود رسانه ای در کشور روی دست بگیرد.

به گفته او، رسانه به عنوان قوه چهارم، در کنار قوه های سه گانه دولت از اهمیت خاصی بر خوردار است و در جهت رشد علم و دانش، فرهنگ و هنر نقش سازنده ای دارد. او با انتقاد از برخی رسانه ها گفت: یکی از اصول مسلم رسانه، حفظ بی طرفی می باشد، اما متاسفانه برخی از رسانه ها در افغانستان بلندگوی چند فرد معین گردیده و اصل بی طرفی را زیر سوال برده اند.

او در ادامه سخنان خود با اظهار اینکه افغانستان کشور تروریست پرور نیست بلکه مردم آن فرهنگ دوست و دارای تفکر نوین هستند، افزود: نشر برنامه ها برای رشد فکری جوانان و خانواده ها از سوی برخی رسانه ها نشان می دهد که افغانستان در حال رشد است و گام به گام با قافله بشریت پیش می رود. به گفته او، با در نظرداشت اینکه در فضای نا امن کشور خبرنگاران به هر گونه خطری تن داده و اطلاع رسانی می کنند، این کار قابل تقدیر است.

به گفته آقای سالنگی علی رغم رشد چشمگیر رسانه ها در افغانستان، تضعیف رسانه ها و توهین و تحقیر خبرنگاران نیز به صورت سیتماتیک از سوی یک عده افراد و اشخاص به شدت جریان دارد، بنا بر این وظیفه دولت و مردم است که در برابر دیدگاه های منفی رسانه ها را حمایت کنند.

درهمین حال حفیظ الله بارکزی رییس شورای ژورنالیستان افغانستان نیز گفت: در حال حاضر ۱۰٦۰۰ رسانه مرغوب در کشور فعالیت دارد و این به آن معنی است که کشور در عرصه های علمی و فرهنگی در حال رشد است. به گفته او، با وجود انواع خشونت علیه خبرنگاران و کم توجهی دولت در جهت مصونیت کارمندان رسانه ای، اما با تلاش پیگیر اصحاب رسانه، امروز افغانستان در سطح بالایی در این عرصه قرار دارد. نوریه نجرابی؛ یک تن از خبرنگاران نیز گفت: در طی پانزده سال اخیر خبرنگاران قربانی های زیادی داده است و تنها در پنج سال گذشته ۲۸ خبرنگار به قتل رسیده و ده ها تن دیگر زخمی شده است، اما دولت آنگونه که باید عوامل این قضایا را تا هنوز پیگری نکرده است. او، همچنان گفت: زنان ژورنالیست در افغانستان با مشکلاتی بیشتری رو برو هستند و گاهی از سوی مسوولین حکومتی با آنان به گونه تبعیض آمیز برخورد می شود. برگزار کنندگان این کنفرانس تاکید کردند: با وجود اینکه خبرنگاران غمخوار مردم و ملت هستند و بهترین خدمات اجتماعی و فرهنگی را انجام می دهند، اما در افغانستان گاهی بجای تقدیر مورد توهین و تحقیر قرار می گیرند.

**گزارش**

صدیق صدیقی:

## فعالیت داعش برای امنیت افغانستان بسیار خطرناک می باشد / هیچ پولیس خیالی در وزارت داخله وجود ندارد

ادامه از صفحه اول / صدیقی، افزود که شاهراه تخار – کندز برای عبور و مرور مردم این ولایات از وجود مخالفین پاکسازی شده و در نقاط آسیب پذیر، برای امنیت بهتر مردم، پوسته های امنیتی به وجود آمده است.

به گفته صدیقی، وزارت داخله چندین برنامه را در اولویت کاری خود قرار داده است که شامل بالابردن سطح تعلیمی نیروهای پولیس، آمادگی برای بهار سال آینده و آوردن اصلاحات بنیادی در این وزارت می شود.

موصوف تصریح کرد که برای از بین بردن چالش ها و مشکلات در این وزارت ۲۰ تیم به سرپرستی معاونیت های وزارت داخله ایجاد شده تا تمام مشکلات پولیس را در ولایات مختلف بررسی نمایند.

وی، در مورد کار این تیم ها گفت که تاکنون کار این تیم ها بسیار مثبت ارزیابی شده است و راپورهای بسیار خوبی به مرکز داده است.

صدیقی گفت آوردن اصلاحات در پولیس ملی تا جایی عملی شده است، اما نواقص اندکی وجود دارد و آن هم رفع می شود.

وی گفت که هیچ پولیس خیالی در وزارت داخله وجود ندارد و وزارت داخله برای اینکه اعتماد متحدین خود را جذب کند در این مورد بررسی های را انجام داده است.

به گزارش وال استریت، جنرال ریچارد کایسر؛ نظامی برجسته اردوی امریکا اعلام کرده است که از ماه جاری تنها به سربازانی از نیروهای امنیتی افغانستان معاش پرداخت می شود که نام شان در سیستم بایومتریک ثبت و کارت هویت دارند.

این جنرال می افزاید: با جلوگیری از پرداخت معاش به سربازان خیالی افغانستان، از ضایع شدن میلیون ها دالر آمریکایی نیز جلوگیری می شود.

صدیقی، با قدردانی از شورای ملی گفت که طرح قانون اطلاق کلمه «شهید» برای جان‌باختگان نیروهای امنیتی از سوی اعضای مجلس نمایندگان برای نیروهای امنیتی کشور انگیزه بیشتری برای دفاع از افغانستان را می دهد.

طرح قانون اطلاق کلمه «شهید» برای جان‌باختگان نیروهای امنیتی از سوی اعضای مجلس نمایندگان پیشنهاد شده است.

مجلس نمایندگان طرحی را تصویب کرد که به اساس آن، رسانه‌ها پس از این مکلف به استفاده از کمله «شهید» برای جان‌باختگان نیروهای امنیتی شدند.

## نشست سه جانبه روسیه، پاکستان و چین وضعیت افغانستان را پیچیده ساخته است

ادامه از صفحه دوم / موصوف علاوه کرد: نشست سه جانبه روسیه، پاکستان و چین در مسکو وضعیت صلح را پیچیده تر ساخته و فضای امنیت و صلح در افغانستان دچار سردی شده است.

قاسمیار با ابراز تاسف گفت: کشورهای غربی یا نمی‌خواهند در افغانستان صلح تامین شود و یا هم نتوانسته‌اند صلح سراسری را در افغانستان تامین کنند.

وی تاکید کرد: گروه طالبان از یک گروه چند صد نفری توسط حمایت کشورهای همسایه، امروز به یک گروه چند هزار نفری تبدیل شده است.

حمید اکبر مسوول برنامه های انستیتوت صلح افغانستان، رسانه و حکومت داری خوب افزود: ارتباط بین مسوولین رسانه و حکومت یک ارتباط ضعیف و مریض است.

وی علاوه کرد: حکومت داری فقط در روی کاغذ باقی مانده است .